



# نشست‌ها



## نشست ۴۱

چهل و یکمین نشست از سلسله نشست‌های مرکز پژوهشی میراث مکتوب به رونمایی و نقد و بررسی کتاب *تذکره خلاصه الأشعار وزبدة الافکار* تقی الدین کاشانی اختصاص داشت.

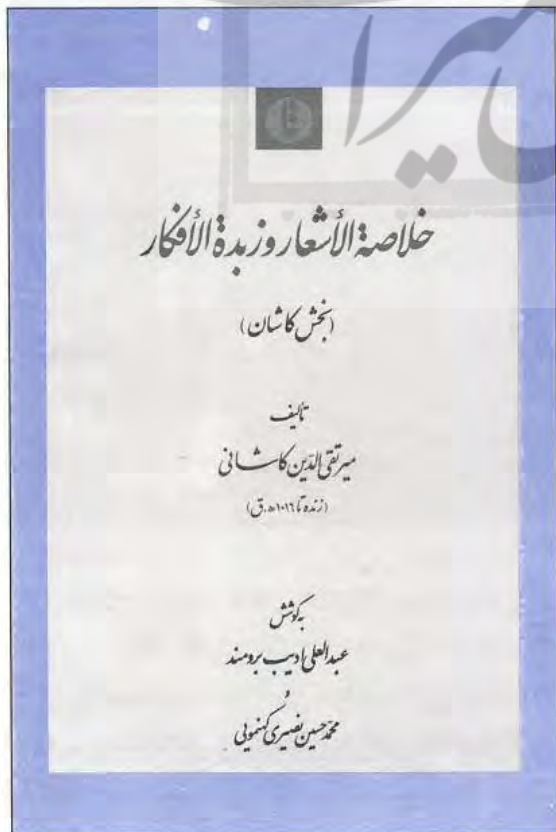
در این نشست که به همت مرکز پژوهشی میراث مکتوب و با همکاری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان، خانه هنرمندان کاشان و شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در محل خانه هنرمندان کاشان در سوم خرداد ماه با حضور گروهی از اساتید زبان و ادبیات فارسی تهران و کاشان و چند مهمان از پاکستان و ازبکستان برگزار شد.

آقای میثم نمکی آرانی، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان ضمن خوشامدگویی به حاضران، میهمانان و استادان، از کاشان به عنوان یکی از مهمترین پایگاه‌های دینی و از مراکز قابل توجه در حوزه



تمدن و فرهنگ کشور یاد کرد و گفت: «کاشان دیار یکتاباوران و موحدانی بوده است که از سپیده دم تاریخ در سپهر معرفت و معنویت آن ستارگان درخشانی ظهور و نورافشانی داشته‌اند که هنوز جامعه از شعاع تابناک آثار آنان بهره می‌برد.»

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: کاشان در هر سلکی سرآمدی دارد، در حوزه فقه و معرفت، مفاخر بزرگی نظیر فیض کاشانی، ملا عبدالرزاق، قطب راوندی و ... چشم نوازی می‌کند. در عرصه شعر و ادب بزرگانی چون محتشم، کلیم و سهراب سپهری جایگاهی ممتاز دارند. در زمینه هنر، کمال الملک، کمال هنر نقاشی ایرانی، خودنمایی می‌کند و به این ترتیب کاشان را می‌توان کاشانه فضل و فرهنگ و فرزانی دانست.



نشست سرآغازی برای همایش‌ها و نشستهای دیگری در نکوداشت بزرگانی همچون این عزیزان باشد.



سپس اکبر ایرانی، رئیس مرکز پژوهشی میراث مکتوب سخنان خود را چنین آغاز کرد:  
 آنجا که کمال کبریای تو بود  
 عالم نمی از بحر عطای تو بود  
 ما را چه حد حمد و ثنای تو بود  
 هم حمد و ثنای تو، سزای تو بود

برگرفته از آغاز خلاصه الاشعار

برای مرکز پژوهشی میراث مکتوب افتخاری بزرگ است که با پژوهش آثار بزرگان فرهنگ ایران زمین، گامی کوچک برای اعتلای نام ایران اسلامی برمی‌دارد، چنانکه بحق با انتشار آثاری از بزرگان دارالمؤمنین کاشان، برگی زرین در کارنامه خود افزوده است. مرکز پژوهشی میراث مکتوب بیشترین اثر را در میان شهرهای ایران از عالمان این شهر منتشر کرده است. کتاب *سراج السالکین فیض کاشانی*، *مصنفات عبدالرزاق کاشانی*، *دیوان نجیب کاشانی*، *دیوان مخلص کاشانی*، *دیوان محتشم کاشانی* و این *خلاصه الاشعار تقی الدین کاشانی* که مجلس آرای محفل ادبی امروز است.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تصمیم گرفته است به لطف خدای بزرگ، جشن رونمایی هر اثر را در شهر مؤلف آن اثر برگزار کند تا اهالی آن شهر در نکوداشت نام و یاد دانشمند شهر خود سهیم و شریک شوند. نخستین جشن رونمایی - پس از برگزاری ۳۹ نشست متن پژوهی در تهران - درباره *جنگنامه کشم* و حماسه فتح هرمز و قشم

نمکی آرانی با اشاره به آیین رونمایی *تذکره خلاصه الاشعار* افزود: امروز به یمن حسن سلیقه و همت ستودنی مرکز پژوهشی میراث مکتوب، کاشان افتخار میزبانی دومین نشست پژوهشی این مرکز در خارج از پایتخت را دارد و با توجه به احیاء و انتشار تعداد قابل توجهی آثار خطی بزرگان این دیار توسط آن مرکز، از فرصت استفاده نموده بر خود لازم می‌دانیم از این توجه ویژه مدیریت و همکاران این مجموعه پژوهشی صمیمانه سپاسگزاری نماییم.

رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان با اشاره به نقش و تأثیرگذاری اینگونه نشستها در باروری استعدادها و شکوفایی نسل جوان ابراز امیدواری کرد با تداوم و استمرار اینگونه برنامه‌ها بتوان نسبت به تکریم مقام علم و پژوهش، ادای دین نمود. ایشان همچنین به توصیف شخصیت‌های برجسته ادبی و مفاخر کاشان پرداخته و گفت: تکریم و نکوداشت سه تن از چهره‌های برجسته در حوزه تصحیح نسخ خطی در نشست حاضر نشانه توجه و عنایت ویژه متولیان فرهنگی نسبت به مفاخری است که در دوره معاصر زندگی می‌کنند و بزرگداشت آنها در دوره حیات، ضرورتی بوده که بحمدالله امروز شاهد آن هستیم.



وی استاد حسن عاطفی، استاد مهدی صدری و دکتر حبیب الله عظیمی آرانی را از چهره‌های ماندگار کاشان در تصحیح نسخ خطی خوانده و افزود: سجایای اخلاقی، مقام علمی و بی ادعایی در عین صاحب نظری از ویژگی‌های این بزرگواران است و امیدواریم این

در بندر عباس برگزار گردید، در این همایش ۵۲ مقاله ارائه شد و نام خلیج فارس بار دیگر درخشیدن گرفت. شهر کاشان پذیرای دومین جشن رونمایی این مرکز شد، تا اثری بسیار مهم به نام خلاصه الاشعار معرفی شود. اثری که شرح حال و اشعار بیش از ۳۵۰ شاعر معاصر تقی‌الدین کاشی را معرفی کرده است. حضور ۳۵۰ شاعر در کمتر از نیم قرن نشان از عظمت ادبی این شهر دارد. در برگزاری چنین مجالسی اهداف ذیل مد نظر بوده است:

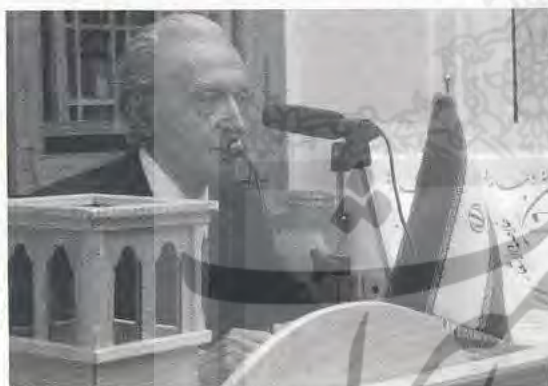
۱. معرفی و نقد و بررسی اثر در شهر مؤلف کتاب
  ۲. تبادل نظر و هم اندیشی درباره آراء و افکار مؤلف
  ۳. آشنا شدن با محققان محلی و گفت و گو با آنان
  ۴. گسترش دامنه نشستها به شهرستانها و تمرکززدایی از فعالیتهایی که صرفاً در تهران برگزار می‌شود
  ۵. تجلیل از مفاخر علمی و عالمانی که در رشد و بالندگی فرهنگ ایران اسلامی نقش داشته‌اند
  ۶. تقدیر از خدمات علمی و فرهنگی دانشمندان و محققان معاصر هر شهر
  ۷. فراهم کردن زمینه‌های تشویق و حمایت از آثار محققان جوان و ایجاد شور و شوق میان آنان
- اینها بخشی از اهداف ماست تا به بهانه برگزاری مجالس علمی به آنها دست یابیم و اما چند نکته‌ای هم در باره شهر کاشان عرض کنم.

عبدالجلیل قزوینی رازی - صاحب کتاب گرانقدر *التقصص* (ص ۱۹۸) درباره این شهر می‌نویسد: «کاشان بحمدلله و منه منور و مشهور بوده است همیشه و بحمدلله هست بزینت اسلام و نور شریعت و قواعد آن از مساجد جامع و مساجد دیگر با آلت و عدت و مدارس بزرگ چون مدرسه صفویه و مجدیه و شرفیه و عزیزیه ...»

یاقوت حموی در *معجم البلدان* می‌نویسد: «همه اهل کاشان شیعه امامیه هستند. جماعت بسیاری را از اهل علم و فضل در کاشان دیدم از آن جمله فضل الله بن علوی راوندی کاشانی که از او احادیث بسیاری را فرا گرفتم». او می‌گوید جالب آنکه سر در منازل کاشان از آیه شریفه با گچ سفید مکتوب بود: انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً.

هرمان اته مستشرق شهیر برای رباعیات بابا افضل کاشانی ارزشی هم سنگ رباعیات ابوسعید ابوالخیر و خیام نیشابوری قائل است.

بنابراین شهر کاشان از همان قرون اولیه اسلام هم شهر علم و دانش و حدیث بوده و هم شهر هنر و شعر و ادب. این شهر در شناسنامه فرهنگی خود نام بزرگانی چون قطب الدین راوندی، بابا افضل کاشانی، غیاث الدین جمشید کاشانی، کلیم و نجیب و مخلص و ملا حسن کاشانی، ملا احمد و ملا مهدی نراقی و از معاصران مرحوم سهراب سپهری، سپیده کاشانی، ملا حبیب الله شریف کاشانی و دهها شاعر و عالم و ادیب دیگر را دارد و اکنون نیز امثال حسن عاطفی و مشفق کاشانی و مهدی صدیقی راه آن بزرگان را در می‌نوردند.

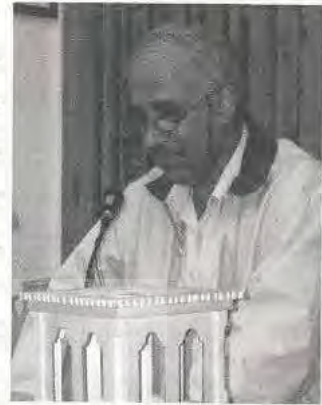


ادیب برومند

سپس استاد عبدالعلی ادیب برومند مصحح کتاب، نخست در مورد چگونگی تصحیح اثر و مشکلات آن سخن گفت و بعد نکاتی پیرامون سبک و شیوه نگارش تقی‌الدین کاشانی پرداخت و به وضعیت نگارش شاعران در دوره صفویه اشاره کرد. ایشان دوره صفویه را دوره بازگشت ادبی و سبک و شیوه نگارش را سبک معنی‌گرا و یا معنی طراز عنوان کردند که به آن مکتب وقوع می‌گفتند. مکتب وقوع مکتبی است که شاعر مسائل را طوری بیان می‌کند که به ذهن آشنا و مانوس می‌آید. و سبک وقوع یعنی آنچه واقع شده و غیر قابل تصور نبوده است. و این مکتب در عصر صفویه گل کرده و شاعران زیادی به این سبک شعر می‌سرودند. ایشان همچنین جنبه‌های مثبت و منفی این سبک را برشمردند. سپس استاد سیدعلی موسوی گرمارودی یکی از

مدعوین نشست، ضمن تشکر از برپایی چنین نشستی از طرف مرکز پژوهشی میراث مکتوب، قطعه شعری را با نام «مهربانی» سرودند.

بعد از ایشان آقای علی میرانصاری، سخنران بعدی این نشست مقاله خود را با عنوان «تذکره خلاصه‌التسار از منظری دیگر» ارائه داد. وی گفت: از لا به لای تراجم و گزیده آثار شاعران می‌توان



به اطلاعاتی در باب روابط علمی و فرهنگی و نیز ویژگی‌های زبانی شهر و یا منطقه خاص دست یافت. در این اثر نیز می‌توان به صنعت، پیشه و ارتباط اقتصادی مردم این شهر و مناطق شبه قاره و آسیای صغیر، کثرت هنرمندان به ویژه موسیقی‌دانان خوشنویسان و تذهیب کاران و نقاشان که به این کارها می‌پرداختند و کلاس‌های تدریس نیز داشتند، وفور شاعران پارسی‌گو و نیز انجمن‌های ادبی مکرر به این نتیجه رسید که کاشان در سدهٔ دهم به لحاظ اقتصادی پویا، از نظر هنری پر نشاط و از نظر ادبی زنده و فعال بوده است.

سپس دکتر میرجلال‌الدین کزازی دیگر مدعو این نشست، ضمن پاسداشت کار مرکز پژوهشی میراث مکتوب در احیاء میراث فرهنگی استمرار این کار سترگ

را آرزو داشتند. ایشان سخنی کوتاه در باب سبک‌های خراسانی، عراقی و اصفهانی و نوع کارکرد این سبک‌ها فرموده و افزودند سبک خراسانی که ادب فارسی با آن آغاز شده است، دبستانی است که در آن پیکره بر پیام چیرگی و افزونی دارد. زیبایی سروده‌های سبک خراسانی در پیکرهٔ آن است و پیام در پی می‌آید. اما در سبک سپاهانی یا هندی پیام بر پیکره چیرگی گرفت. سخنوران سپاهانی آنچنان سودا زدهٔ پیام بودند که پیکره را فرو می‌نهادند. این سبک راهی را پیمود که برگزافه‌کاری انجامید. و اما روزگار بازگشت ادبی در شهر اصفهان آغاز شد و سخن پارسی از همان زمان به بیراهه افتاد و ما هنوز نشانه‌ها و نمودها و بازتاب‌هایی از این بیراهگی را در این سخن می‌بینیم. از این روی برگزاف‌ترین و پیچیده‌ترین سروده‌هایی که در سبک سپاهان است برتر از درخشان‌ترین نمونه‌هایی است که ما در سروده‌های روزگار بازگشت می‌بینیم.

وی روزگار بازگشت ادبی را چون ماهیانی دانست که در خشکی افتاده‌اند و هر چه می‌تپند در می‌مانند.

در پایان از سوی مرکز پژوهشی میراث مکتوب و ادارهٔ فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان هدایا و لوح تقدیری به استاد ادیب برومند و دکتر نصیری که هم‌نوی مصححان این کتاب تقدیم شد.

همچنین از استادان حسن عاطفی، مهدی صدری و دکتر حبیب‌الله عظیمی آرانی که افتخارات بزرگی را برای کاشان به ارمغان آورده‌اند، تجلیل شد و هدایایی از طرف مرکز پژوهشی میراث مکتوب و ادارهٔ فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان به آنان تقدیم شد.



## نشست ۴۲

چهل و دومین نشست از سلسله نشست‌های مرکز پژوهشی میراث مکتوب با عنوان «تأثیر اندیشه‌های فلسفی ابن کمونه بر فلاسفه پس از خود» در تاریخ ۸/۳/۸۵ و با سخنرانی خانم پروفسور زابینه اشمیتکه (آلمان)، در محل مرکز برگزار شد.

خانم اشمیتکه سخنرانی خود را به انگلیسی قرائت کردند و دکتر نصرالله پور جوادی خلاصه آن را برای حضار ترجمه نمودند.

ابتدا اکبر ایرانی رئیس مرکز پژوهشی میراث مکتوب ضمن خیرمقدم خدمت مدعوین به ویژه مهمان گرامی سرکار خانم اشمیتکه، از فعالیت‌های پژوهشی ایشان تقدیر نموده و در سخنرانی خود چنین گفت:

در تاریخ حکمت و فلسفه اسلامی نام دو فیلسوف که بیش از همه در مسائل کلامی و فلسفی تشکیک و طرح شبهه کرده‌اند، به چشم می‌خورد. نخست امام فخر رازی معروف به امام المشککین و دیگری سعد بن منصور بن کمونه (۶۸۳ هـ) که شبهه ابن کمونه حتی بین عوام در مسائل لاینحل به ضرب‌المثل تبدیل شده است. شبهه استلزام و شبهه جذر اصم دو شبهه معروف اوست که پس از او فلاسفه اسلامی چون میرداماد، ملاصدرا، دوانی، خفری، سبزواری و دیگران به او پاسخ گفته‌اند.

ابن کمونه معاصر خواجه نصیرالدین طوسی بود و با او مکاتباتی داشت. او در بغداد می‌زیست و پس از تألیف کتاب *تنقیح الابحاث للملک الثالث* (اسلام و مسیحیت و یهود) به دلیل مطالب و شبهاتی که درباره قرآن و اسلام مطرح کرد، مورد خشم واقع شد و مردم بر او شوریدند و قصد جان او کردند، یارانش او را داخل صندوقچه‌ای پنهان کرده و راهی شهر جله‌اش کردند.

از او ۳۰ اثر یاد کرده‌اند که برخی از آنها چاپ شده است. از آن جمله است:

۱. *تنقیح الابحاث للملک الثالث*، وی در این اثر ایرادها و شبهاتی بر هر سه دین آسمانی چه از قول دیگران یا از سوی خودش گاه به تفصیل و گاه به اجمال نقل می‌کند و در ذکر پاسخها هم، این تفصیل و اجمال به صورت نابرابری دیده می‌شود.

وی جایی درباره قرآن می‌گوید: «فاندفعت الشکوک

کلهما فثبت ان تفاسیل القرآن متواترة کتواتر اصله» اما در فصل دیگری از همین کتاب اسلام آوردن گروهی را مصلحتی و از روی ترس می‌داند که می‌توان وی را هم از آن دسته دانست، به هر حال از نگاه جامعه شناسانه، او بدین‌گونه اوضاع زمانه خود را ذکر می‌کند، به هر روی این اثر در باب دین پژوهی درخور توجه محققان است.

۲. معروفترین اثر ابن کمونه شرحی است که بر تلویحات شهاب‌الدین سهروردی موسوم به *التنقیحات فی شرح التلویحات* در منطق و طبیعیات و اندکی الهیات انجام داده است. دکتر حسین ضیایی بخش طبیعیات آن را چاپ کرد و در حال حاضر دو تصحیح همزمان در دست انجام است. دکتر سید موسوی در مشهد مقدس بخش منطق را آماده نشر کرده و دکتر نجفقلی حبیبی هم هر سه بخش را به حروفچینی سپرده است که این مرکز با مشارکت هر دو محقق، این سه جلد را منتشر خواهد کرد.

سپس خانم پروفسور اشمیتکه ابتدا ضمن ابراز خرسندی و تشکر از دعوت ایشان به مرکز گفت: ابن کمونه یکی از مهم‌ترین فلاسفه عالم اسلام بعد از ابن سینا می‌باشد و مطالعات درباره این فیلسوف شهیر در واقع از اواخر قرن ۱۹ آغاز شد، ولی متأسفانه مطالعاتی که از وی چاپ شد بسیار اندک بود، تا اینکه خودم از چند سال پیش شروع به تحقیق درباره آثار ابن کمونه کردم که حاصل این تحقیقات چند مقاله و کتابی مشترک همراه دستیارم بود که در این کتاب غیر از سرگذشت ابن کمونه، آراء و تمام آثار و نسخه‌های خطی که از او یافتیم را ضبط کردم و مفصل‌ترین کاریست که تاکنون درباره ابن کمونه انجام شده است.



ابن کمونه جزو فلاسفه‌ای بود که در همان زمان حیاتش به شهرت رسید و جز مکاتبات عدیده با فلاسفه متعددی به خصوص در شرق عالم اسلام ارتباط داشت. کتابهای شرح تلویحات و *الجدید فی الحکمه* دو اثر فلسفی بسیار مهم است که در همان زمان مؤلف نسخه‌برداری شد. از میان فلاسفه همعصر ابن کمونه شهرزوری و قطب‌الدین شیرازی ارتباط نزدیکتر با وی داشتند و در آثار و تألیفات و عقایدشان بسیار تحت تأثیر ابن کمونه بودند.

این تأثیر در کتاب *حکمه الاشراق و درة التاج* قطب‌الدین به وضوح دیده می‌شود. نسخه‌های متعددی از آثار ابن کمونه در اختیار قطب‌الدین بوده و حتی قطب‌الدین کتاب شرح *تلویحات* را به خط خود نوشته است. تقریباً به مدت یک قرن و نیم بعد از قطب‌الدین شیرازی تأثیر ابن کمونه در میان فلاسفه منحصر به فرد بود. و شرح *تلویحات* او را چندین نفر استفاده کرده‌اند نظیر نصرالدین کاشی که حاشیه‌ای بر آن نوشته و مبارک‌شاه بخاری که در *حکمة العین* از آن بهره‌ فراوانی برده است.

دوانی نیز از جمله کسانی است که متأثر از آراء فلسفی ابن کمونه بوده و کار قابل توجهی که دوانی کرد این بود که در کارهای دیگر ابن کمونه جز شرح *تلویحات* نیز راه‌هایی باز کرد و شرحی که بر *هیاکل النور* نوشته است بحث‌هایی را مطرح کرده که ریشه‌اش به آراء وی برمی‌گردد. به عنوان مثال بحث دو واجب الوجود را در حاشیه به صورت مفصل می‌آورد که سخت تحت تأثیر ابن کمونه می‌باشد.

اشمیتکه افزود: البته بعضی از فلاسفه که از کتب

ابن کمونه استفاده می‌کردند وی را نمی‌شناختند و فقط می‌گفتند یکی از افاضل چنین و چنان گفت، بدون اینکه نامی از وی بیاورند.

مثلاً صدرالدین دشتکی وقتی که در مورد جذر اصم بحث می‌کند مطالبی که بین کاتبی و ابن کمونه بوده را با واسطه رساله دوانی عیناً نقل کرده، بدون اینکه متوجه باشد این بحث‌ها متعلق به چه کسی بوده و بعد از وی نیز پسرش غیاث‌الدین دشتکی به همین صورت عمل کرده است. البته غیاث‌الدین با وجود استفاده از مباحث ابن کمونه شناختی نیز نسبت به وی داشته و می‌دانسته که شارح *تلویحات* است. همچنین نجم‌الدین محمود نیریزی از شرح *تلویحات* ابن کمونه استفاده کرده.

یک شخصیت دیگر در همین دوره، شمس‌الدین خفری است که در کتاب شرح *تجربید خواجه* بحث وحدت واجب الوجود را مطرح کرده است و مسلماً ابن کمونه را می‌شناخته و می‌گوید اصلاً نباید از طرف ابن کمونه چنین شبهه‌ای مطرح می‌شده وی حتی به ابن کمونه ناسزا هم می‌گوید و وی را افتخار الشیاطین می‌نامد.

به دلیل همین تأثیر و نفوذ دوانی و خفری، ابن کمونه، در میان متفکرین شهرت زیادی پیدا کرد و بعد هم به عنوان کسی که این شبهات را مطرح کرده شناخته شده.

یکی دیگر از فلاسفه که تحت تأثیر ابن کمونه بود، ملاصدرا می‌باشد. وی تحت تأثیر ابن کمونه شبهه توحید را مطرح کرده و با لحن انتقاد آمیزی از ابن کمونه نام می‌برد.

وی عنوان کرد که: در دوره صفویه افرادی رساله‌های متعددی راجع به سه شبهه ابن کمونه نوشته‌اند مثل علی‌بن فضل‌الله جیلانی، عبدالرزاق لاهیجی و آقا حسین جمال‌الدین خوانساری، که بعضی از آنها چاپ نشده و فقط از طریق نسخه‌های خطی بررسی می‌شود. البته از نظر من تمام این آثار که نوشته شده اصلاً هیچ ربطی به ابن کمونه نداشته و بسیار اندک و غیر مستقیم می‌توان به آن مربوط کرد. و خود فلاسفه ابن کمونه چیز دیگر نیست و تفکرش چیز دیگری است و چون اینها هیچ کدامشان دسترسی نداشتند و ابن کمونه را نمی‌شناختند این شبهات را تماماً به او نسبت داده‌اند که این شبهات



## نشست ۴۳



چهل و سومین نشست از سلسله نشست‌های مرکز پژوهشی میراث مکتوب با موضوع «بررسی آثار و اندیشه‌های ابوعلی مسکویه و تقدیر از خدمات علمی مصحح آثار وی دکتر ابوالقاسم امامی» در عصر روز ۸۵/۳/۲۹ در محل مرکز برگزار شد.

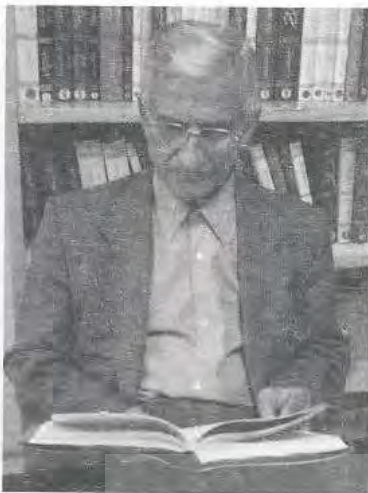
در این نشست دکتر ابوالقاسم امامی، دکتر پرویز اذکایی، دکتر محمد خوانساری، علیرضا ذکاوتی قراگزلو، حجت الاسلام کوشا و جویا جهاننخش به ایراد سخنانی پرداختند. در آغاز اکبر ایرانی، رئیس مرکز پس از خیر مقدم، این نشست را نخستین نشستی دانست که علاوه بر بررسی آثار و اندیشه‌های یک فیلسوف، نکوداشت مصحح و مترجم آثار او را نیز دربردارد. وی در ادامه با ستایش از خلق نیک دکتر امامی، ایشان را از اولین حامیان مرکز معرفی کرد که از بدو تأسیس با حضوری فعال در جلسات و نشست‌ها و با ارزیابی آثار ارائه شده، همواره اسلوب صحیح در روش تصحیح را در اختیار مصححان نهاده‌اند. آقای ایرانی در ادامه با اشاره به تسلط دکتر امامی بر ادبیات عرب و ویژگی و قدرت ترجمه‌های وی را چنان دانستند که گویی خواننده را با خود به دوران حیات مؤلف می‌برد.

سپس اولین سخنران نشست دکتر خوانساری، محور سخنان خود را به بررسی کتاب *الهوامل والشوامل* مسکویه قرار داد. وی با بررسی ویژگی‌های این کتاب، آن را دربر دارنده تقریبی ۱۷۵ پرسش و پاسخی دانست که با تنوع موضوعی بسیار میان ابوحنیان توحیدی و مسکویه مطرح می‌شود. وی در ادامه با خواندن چند پرسش ابوحنیان و پاسخ به مسکویه تحلیل روانشناسانه دو شخصیت مطرح در این کتاب، یعنی ابوحنیان و مسکویه پرداخت و آنان را

خیلی هم به ابن کمونه ربط نداشته است و این فلاسفه نیز فقط از طریق همین شبهات ابن کمونه را می‌شناختند. پروفسور اشمیتکه در پاسخ به این سؤال که با توجه به اینکه نمی‌دانیم ابن کمونه مسلمان بوده یا یهودی در آن زمان همزیستی مسالمت آمیز ادیان مختلف وجود داشته یا نه؟ گفت: در قدیم فعالیت‌های عقلی و تفکر عقلی یک وحدتی بین ادیان مختلف بوجود آورده بود، یعنی علما و حکما اعم از اینکه یهودی بودند یا مسلمان خودشان را وارث یک حکمت و اندیشه واحد می‌دیدند. صرف نظر از تمایلات دینی آنچه برایشان اهمیت داشت خود آن تفکر و میراث عقلی بوده که به آنها رسیده بودند. ما موارد زیادی از ارتباطات متقابل بین متفکران یهود و متفکران اسلام داریم.

در پایان نیز از سوی مرکز پژوهشی میراث مکتوب به خاطر کوشش‌های پروفسور اشمیتکه در تحقیق و بررسی متون دینی اسلامی به ویژه میراث تابناک علامه حلی، لوح تقدیری به ایشان اهداء شد.





کتاب را آن دانسته تا آزموده‌های گذشتگان، راهنمای آیندگان باشد.

دکتر امامی با اشاره به مقدمه خود بر کتاب فوق، به مقاله‌هایی اشاره داشت که خود در خصوص این شخصیت در جاهایی مختلف همچون دایرةالمعارف بزرگ اسلامی ذیل مدخل «ابوعلی مسکویه» و مقاله‌ای در دانشنامه جهان اسلام نگاشته‌اند. وی ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب رازی، ملقب به مسکویه (مشکویه) را دانشمند، فیلسوف، متکلم، پزشک، ریاضی‌دان، مورخ و پیشوا و پیشرو در تدوین فلسفه اخلاق یا اخلاق نظری در تاریخ اسلامی خواند. وی با «معلم سوم» خواندن مسکویه (پس از ارسطو و فارابی) او را عضو ارشد انجمنهای علمی و فلسفی روزگار آل بویه دانست که همواره، در جای جای کتاب تاریخی‌اش، منتقد کردار و رفتار امیران عصر خود بوده.

دکتر امامی در پایان با بیان سرگذشت نحوه آشنایی خود با مسکویه و آثار او، به خصوص تجارب الامم،



نقطه مقابل یکدیگر دانست. به زعم وی مسکویه مورخ، ادیب، پزشک، فیلسوف و عالم اخلاقی است؛ چنانکه هیچ نقطه تاریکی در دوران حیات او دیده نمی‌شود. در حالی که ابوحیان علی رغم آنکه عالم در ادبیات و فلسفه و کلام است ولی بی‌بهره از خلق نیک و کلام پاکیزه می‌باشد.



سخنان دکتر ادکاسی با بررسی تاریخی دوره حیات مسکویه آغاز شد. وی سده‌های ۳ تا ۵ هـ. ق را دوره نوزایی فرهنگ ایرانی در بستر تمدن اسلامی خواند، که انسان مداری در آن درخشش ویژه‌ای می‌یابد و توجه به عقلانیت بیش از پیش محور امور می‌گردد. وی ویژگی شاخص تاریخ نگاری مسکویه در تجارب الامم را کار بست صرف تجارب گذشتگان دانست تا در خدمت آیندگان قرار گیرد. از این رو چنین تاریخی رویدادهای فوق طبیعی، که نتیجه تجربه و تدبیر بشری نیست را دربر نمی‌گیرد. او همچنین بخشی از سخنان خود را به بررسی آراء کسانی چون شرق‌شناس اروپایی، لئون کائتانی و اسلام شناس نامدار، روزنتال و ازکون در خصوص مسکویه اختصاص داد.

سخنران بعدی، دکتر ابوالقاسم امامی سخنان خود را با تقدیم بزرگترین اثر مسکویه - هم به لحاظ حجم و هم به لحاظ محتوا- یعنی تجارب الامم، به کتابخانه‌های محققان جهان اسلام و خاورشناسان، آغاز کرد. او نوید اتمام کتاب ناتمام زندگی و کارنامه مسکویه را در آینده‌ای نزدیک داد و با توجه به اهمیت مقدمه کوتاه مسکویه بر کتاب تجارب الامم، آن را برای حضار قرائت کرد. در این مقدمه مسکویه دلیل نوشتن این



از دکتر محمد جواد مشکور که مشوق وی در این انتخاب بود سپاسداری کرد. دکتر امامی در ابتدا به قصد ترجمه، تجارب الامم را برمی‌گزیند ولی با مواجه شدن با مشکلات بسیار در نسخه خطی چاپ عکسی کتاب، تصحیح آن را مقدم بر ترجمه به انجام می‌رساند و سپس به ترجمه فارسی آن می‌پردازد.

در بخش دوم نشست حجت الاسلام محمد کوشا، ویراستار چاپ سوم ترجمه قرآن دکتر امامی، قلم رسا و منحصر به فرد وی را ستود. او افزود: اولین نقدی که به طور کامل بر این کتاب نوشته شد از جانب بنده بود که آقای امامی عمده آن مطالب و اشکالات را در چاپ دوم اعمال نمودند. سپس بنده مقاله‌ای دیگر در تأیید این ترجمه نگاشتم.



حجت الاسلام کوشا در پایان به بررسی ویژگیهای ترجمه این کتاب پرداخت که عبارت بودند از: معادل‌یابی کلمات قرآن بر پایه فارسی روان، نشان دادن توانایی زبان فارسی در ارائه پیام الهی، ارائه هنر زیباشناسی لفظی و معنوی در زبان فارسی، در آمیختن اسلوب ادب و شیوه هنر در ترجمه قرآن.

آخرین سخنران نشست، آقای جويا جهانبخش، گفتار خود را با ستایش از دو صفت صداقت و حریت دکتر امامی آغاز کرد. وی به مقاله خود با عنوان « بار دیگر

پارسی» در مجله جهان کتاب یاد کرد که در آن ترجمه دکتر امامی را بررسی کرده است. وی با قائل شدن دو ویژگی بر این ترجمه، در توضیح اولین آن گفت که این ترجمه بیشتر یک نگره است تا یک نگاره و گشودن یک راه است تا یک تجربه منفرد؛ یعنی بیش از آنکه یک تجربه ترجمانی باشد، گشودن یک افق است. از این رو این ترجمه به لحاظ کلامی واجد اهمیت بیشتری است، چرا که نسبت به ترجمه کلمات قرآن متعهد است و به بیراهه نمی‌رود.

جهانبخش دومین ویژگی ترجمه دکتر امامی را بهره‌گیری توانمندان از توانش - های زبان فارسی دانست. وی سهل و گاه سخت فهم بودن



این ترجمه را ستود و گفت رسالت ترجمه قرآن، همه فهم بودن آن نیست بلکه آنجا که قرآن دشوار است باید ترجمه نیز دشوارگو باشد و به عکس. و این را نشان از میزان مقبولیت دکتر امامی دانست.

وی در پایان ترجمه و چاپ آثار وی چون تجارب الامم مشکویه را وظیفه ملی ایرانیان خواند تا مانعی فرا روی عربی جلوه دادن این کتاب‌ها باشد. در پایان جلسه لوح سپاس و هدیه‌ای از طرف مرکز پژوهشی میراث مکتوب و نیز لوحی از طرف آقای صفار هرنندی، وزیر فرهنگ و ارشاد و هدیه‌ای از طرف آقای محمدیان، مدیریت انتشار سروش، به رسم سپاس، تقدیم ایشان شد.

